رژیم وقتی جمهوری اسلامی است، که عادل باشد

بهره‌ای از کلام امام خمینی

اشاره

امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه به عنوان بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، از همان روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی ارزیابی کارنامه نظام را به صورت مستمر لازم می‌دانستند و اینطور نبود که به نام و عنوان آنچه تأسیس کرده‌اند قانع باشند و به محتوا و عملکرد کاری نداشته باشند. این سیره امام خمینی باید برای تمام کارگزاران نظام سرمشق باشد. در اندیشه امام خمینی، نظام جمهوری اسلامی زمانی جمهوری اسلامی است که بتواند در تحقق عدالت موفق باشد. جامعه گرفتار تبعیض نباشد و چیزی با روح اسلام و «جمهوریت» و «اسلامیت» در تعارض نباشد. باید در جامعه اسلامی با مفسدان اقتصادی برخورد یکسان شود و مردم باور کنند که عدالت حاکم است. اگر اینگونه نباشد و مردم با مشاهده بی‌عدالتی‌ها به این نتیجه برسند که کاری غیر از تغییر اسم انجام نشده و هدف این بوده که رژیم پهلوی کنار زده شود تا عده‌ای دیگر جای آنها را بگیرند، آن جمهوری، جمهوری اسلامی نخواهد بود. آنچه مطالعه می‌فرمائید گزیده‌ای از متن سخنرانی امام خمینی در ۱۷ تیرماه ۱۳۵۸ خطاب به جمعی از دانشجویان و کارمندان است که نشان می‌دهد ایشان تا چه اندازه به برقراری عدالت در جامعه اهمیت می‌دادند.

***

... ما تا حالا که این جمهوری اسلامی را، همه شماها زحمت کشیدید و همه قشرهای ملت متحد شدند با هم و خونها را دادند و زحمتها کشیدند و زجرها کشیدند و این سد را شکستند و رای به جمهوری اسلامی هم دادند، این برای این نبود که فقط حریف را از میدان در بکنند و خودشان به جای او بنشینند، این برای این بود که یک رژیم فاسد را تبدیل کنند به یک رژیم صحیح، رژیم عادل. که وقتی رژیم عادل تحقق پیدا کرد و احکام اسلام آن طوری که باید تحقق پیدا کرد، آن وقت افراد اگر عمل کنند، راه صحیح واقعیت را پیدا می‌کنند و رژیم هم اگر چنانچه اسلامی باشد و عمل، عمل اسلام باشد و همه نظام، نظام اسلامی باشد، یک نظام عادلانه‌ای که به هیچیک از افراد تعدی نشود، در هر اداره‌ای بروید آنجا اسلام را ببینید، در هر بنگاهی بروید آنجا هم ببینید اسلام هست، اینکه حکومت می‌کند اسلام حکومت بکند؛ غیر اسلام در کار نباشد. ما تا حالا نرسیدیم به این، ما رای دادیم به اینکه جمهوری اسلامی [باشد]. حالا هم رژیم ما جمهوری اسلامی است. اما این طور نیست که تا ما رای دادیم جمهوری اسلامی، یک جمهوری اسلامی شده باشد. فقط نظام الآن نظام جمهوری اسلامی [است]، و دنیا هم شناخته است ایران را به اینکه اینجا رژیمش جمهوری اسلامی است؛ اما اسلام که این را نمی‌خواسته که ما یک رای بدهیم و بگوییم جمهوری اسلامی، اسلام می‌خواسته که در رژیمش این طور باشد که هر جا پا بگذاری احکام اسلام باشد؛ غیرش نباشد. اگر ما با همه زحمتها، با همه خون دادنها، به اینجا رسیدیم که جمهوری اسلامی و باز رهایش کنیم، تمام کارهایمان هدر رفته؛ یعنی طاغوت فرق نمی‌کند که محمد رضا باشد، یا من و شما، حیطه شعاع عملیات مختلف است؛ یک کسی طاغوت است در خانواده خودش، یک کسی طاغوت است در خودش و همسایه‌هایش، یک کسی طاغوت است در محله‌اش، یک کسی در شهر، یک کسی هم در یک استان؛ یک کسی هم در سطح کشور. در طاغوتی [بودن] فرقی نیست؛ در شعاع عمل فرق است. همین طاغوتی که در خانواده خودش طاغوت است اگر دستش برسد در محله هم طاغوت است. اگر دستش برسد، در همه سطح کشور طاغوت است. برای اینکه خودش وقتی طاغوت هست دیگر شعاع عمل کم و زیادش پیش او فرقی ندارد. دستش نمی‌رسد، دستش برسد، همان کارهایی که محمد رضا می‌کرد این آدم هم همان کارها را می‌کند،

***برپایی جمهوری اسلامی برای این نبود که فقط حریف را از میدان در بکنند و خودشان به جای او بنشینند، این برای این بود که یک رژیم فاسد را تبدیل کنند به یک رژیم صحیح، یک رژیم عادل**

تا تربیت اسلامی و انسانی و تحت تربیت انبیا کسی نباشد، دستش نمی‌رسد، و الّا وقتی دستش برسد همه آن کارها را می‌کند، حالا هم خیال می‌کند نمی‌کند. این آدمی که در منزل خودش ظلم می‌کند، در منزل خودش تعدّی بر اولادش، بر فرزندش، بر خادمش می‌کند، این اگر زیادتر بشود خدمه‌اش، زیادتر بشود اولادش، زیادتر بشود تابعش، همان قدر که آنها زیادتر می‌شوند این وسعت ظلمش زیاد می‌شود؛ برای اینکه آدم ظالم است. ظالم اگر ده نفر تحت سیطره‌اش باشند، ظلَمش به اندازه ده نفر است. اگر سی و پنج میلیون جمعیت هم باشند، ظلمش به اندازه سی و پنج میلیون نفر است. آدم، همان آدم است، برای اینکه آدم نشده است؛ یک موجود طاغوتی شیطانی است. این موجود طاغوتی شیطانی اگر تحت سیطره انبیا نرود، تحت تعلیم و تربیت انبیا نرود، هیچ فرقی ما بین این فرد با آن فردی که یک عالم را دارد می‌چاپد در روحیات نیست، در عمل هست؛ از باب اینکه این دستش نمی‌رسد، او دستش می‌رسد. اینهایی که مثلاً فرض کنید در ایران سیطره داشتند، مثل محمد رضا، اگر در عراق هم سیطره‌اش می‌رفت، همین ظلمهایی که اینجا می‌کرد آنجا هم می‌کرد. اگر در همه ممالک اسلامی هم سلطه

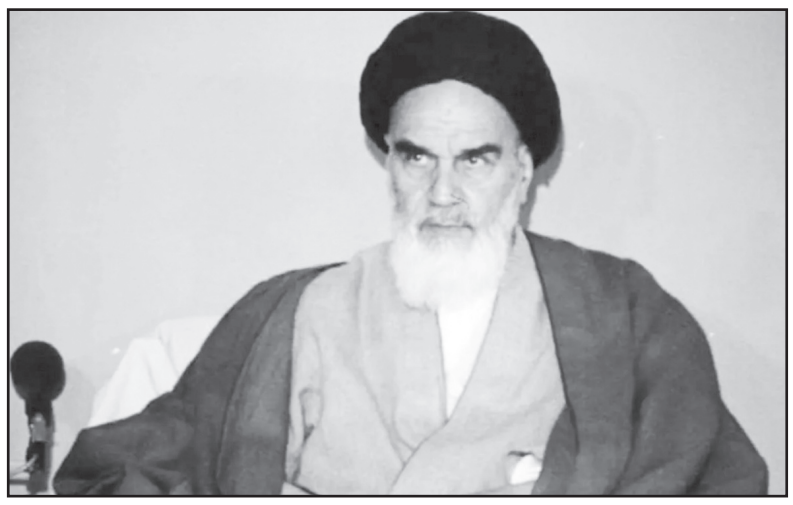

پیدا می‌کرد، همین کارهایی که اینجا می‌کرد در همه جا می‌کرد. اگر در همه عالم هم سلطه پیدا می‌کرد، همان مطالب بود. می‌بینید که این ابرقدرتها که دستشان را همه جا دراز می‌کنند برای چاپیدن، آن آدمی که چاپیدنش یک حدود خاص داشت وقتی که شد رئیس، یک قدری وسعت پیدا می‌کند و همان کارها را آنجا می‌کند. گمان نکنید که من و شما اگر دستمان برسد به آنها نکنیم، تا آدم نشویم همان حرفها هست.

باید همه فکر این معنا را بکنیم که رژیممان را رژیم اسلامی بکنیم. رژیم اسلامی به این است که این افرادی که در کار هستند، این افرادی که در این رژیم سر کار هستند، فرض کنید که مشغول به خدمتگزاری هستند- کارمندهای دولتی همه‌شان، هر کدام آنجا که کار می‌کنند،

***باید در جامعه اسلامی با مفسدان اقتصادی برخورد یکسان شود و مردم باور کنند که عدالت حاکم است. اگر اینگونه نباشد و مردم با مشاهده بی‌عدالتی‌ها به این نتیجه برسند که کاری غیر از تغییر اسم انجام نشده و هدف این بوده که رژیم پهلوی کنار زده شود تا عده‌ای دیگر جای آنها را بگیرند، آن جمهوری، جمهوری اسلامی نخواهد بود**

کارشان کار اسلامی باشد. این فکر نباشد که حالا که این اداره آنجایش خراب است، خوب، بگذار اینجایش هم خراب باشد! حالا که آن آدم آنجا خلاف می‌کند، خوب، بگذار اینجا هم خلاف بکند، همه مکلّفیم؛ همه ما. اگر همه عالم خلاف بکنند، یک آدمی که تربیت‌شده تحت مکتب انبیاست او خلاف نمی‌کند. تمام عالم وقتی که به هم بخورد و ظلم بشود، حضرت موسی خلاف نمی‌کند. از اینکه حالا همه دارند می‌چاپند پس باید من هم این کار را بکنم، نه. در تربیت انبیا این جور نیست. علی بن ابی طالب- سلام‌الله علیه- همه عالم اگر کافر هم می‌شدند به حال او فرقی نمی‌کرد؛ جز غصه خوردن به اینکه چرا اینها دارند خلاف می‌کنند، و الّا مَشّی او هیچ تغییری نمی‌کرد. آن روزی که تو خانه نشسته بود، با آن روزی که یک خلافت دارای آن وسعت- که ایران یک جزئش بود تا مصر و در حجاز و همه اینجا تحت سیطره بود و از اروپا هم یک مقداری- هیچ فرقی درحال روحیش نبود که حالا که من دارای یک همچو چیزی هستم، باید مثلاً چه بشود، هیچ ابداً در روح او هیچ فرقی نمی‌کرد. برای اینکه روح، روح الهی بود. روح الهی در آن فرقی نمی‌کند یک جمعیت کمی تحت نظر او باشد، یا یک دنیا باشد، درحال روحی او فرقی نمی‌کند. او موظّف است عدالت کند. می‌تواند با این چهار تا که هست عدالت بکند؛ اگر توانست، به همه جا عدالت را گسترش می‌دهد.

همه ما الآن که اسم جمهوری اسلامی روی خودمان گذاشتیم و رژیم سابق را فرستادیم- بحمد الله- به خارج و دفنش کردیم، و دیگر هم زنده نخواهد شد ان‌شاءالله، همه ما الآن مکلفیم که این رژیمی که ادعا داریم که تحقق پیدا کرده، واقعیتش تحقق پیدا کند؛ از حدّ لفظ به حدّ معنا بیاید؛ از حدّ رای به حدّ خارج بیاید. شما که مامورین یک وزارتخانه هستید یک طور باید عمل بکنید، آنها هم که در وزارتخانه دیگرند یک طور؛ همه باید مامورین اسلامی باشید. هر فرد باید خودش را موظف بداند به اینکه این کاری که الآن این کار جزئی که پشت میز نشسته به او محوّل است، این کاری که به او محوّل است، روی عدالت عمل بکند؛ منتظر نشود که وزیر، عادل بشود. وزیر، عادل بشود یا عادل نباشد، شما باید عادل باشید. نخست‌وزیر عادل باشد یا نه، برای خودش ضرر دارد و نفع دارد. آن حسابش علی حدّه هست. شما هم حسابتان علی حدّه است، پیش خدا حسابش علی حدّه است، پیش ملت هم حسابش

***رژیم اگر چنانچه اسلامی باشد و عمل، عمل اسلام باشد و همه نظام، نظام اسلامی باشد، یک نظام عادلانه‌ای که به هیچیک از افراد تعدی نشود، آن راه صحیح است**

علی حدّه است. شما که این کار جزئی، این پیشخدمتی که این کار جزئی دستش هست، عدالت در آن کارش باید بکند. آن رئیس اداره هم که در آنجا نشسته آن هم عدالت در همان کار باید بکند؛ منتظر نشود دیگران عادل بشوند تا او عادل بشود، مثل این است که من منتظر بشوم دیگران نماز بخوانند تا من نماز بخوانم، یا منتظر بشوم دیگران ناهار بخورند تا من ناهار بخورم! چه طور وظایف طبیعی را آدم این طوری عمل می‌کند. وظایف طبیعی را هر کسی شخصی عمل می‌کند؛ شما هیچ وقت انتظار کشیدید دیگران نفس بکشند تا شما بکشید؟ دیگران نگاه کنند تا شما نگاه [کنید]؟ هیچ همچو نیست. شما به حسب طبیعتتان وظایف طبیعی را شخصاً عمل می‌کنید. وظایف الهی هم همین‌طور است. همان طوری که وظایف طبیعی را شخصاً عمل می‌کنید، وظایف الهی را هم شخصاً شما موظفید عمل کنید، به علاوه، موظفید که دیگران را هم وادار کنید به این کار. در اینجا موظف نیستید که دیگران را وادار کنید که نگاه کن. اما در آنجا موظفید دیگران را تعدیل کنید؛ دیگران را هم تربیت کنید.

هر کدام ما موظفیم خودمان عمل کنیم؛ و موظفیم دیگران را هم وادار کنیم. اگر یک همچو روحیه‌ای در یک ملتی پیدا بشود، که ان‌شاءالله امیدوارم پیدا بشود، اگر یک همچو روحیه تعاون معنوی، همان طوری که در این برهه‌ای که انقلاب بود یک تعاون مادی پیدا شده بود این هم معناً بود، اما معاونت راجع به این بود که اینهایی که می‌آمدند در خیابانها تظاهر می‌کردند خانه‌ها به آنها آب می‌دادند؛ غذا می‌دادند، عرض کنم، مردم کمک می‌کردند؛ معاونت می‌کردند. اگر یک روحیه معاونت معنوی پیدا بشود در انسان، در همه که هر کسی خودش را موظف بداند به اینکه علاوه بر اینکه خودش یک آدمی است که می‌خواهد عدالت بکند، وظیفه‌شناس است، پشت میز که نشسته کار خودش را که می‌کند و کار مردم را که می‌خواهد انجام بدهد روی وظایف است، نه روی طمع است، نه روی ترس و خوف است، روی وظیفه است آن طوری که وظایف شخصی خود را آدم عمل می‌کند، برای خودش وظیفه می‌داند که برای بچه‌هایش لباس بخرد؛ این یک وظیفه‌ای است پیش آدم، نه خوف است و نه طمع. اگر انسان- آن کسی که متصدی یک کاری است- وظیفه بداند این را که من حقوق مثلاً می‌گیرم وظیفه‌ام این است؛ نخیر، حقوق هم نمی‌گیرم وظیفه انسانیم این است؛ وظیفه اسلامیم این است که حالا که متکفل یک امری شدم و یک دسته‌ای به من محتاجند که کارهایشان را راه بیندازم، کارها را تعویق نیندازم، همان قدری که می‌توانم، به هر ترتیبی که جریان دارد جریان بدهم، با رفاقت، جلو و عقب انجام ندهم، خلاف عدالت نکنم، اگر جلو و عقب انجام بدهم این همان کارهای طاغوت است، طاغوت در یک چیز کم، در یک شعاع کم، چنانچه هر کداممان توجه به همین معنا داشته باشیم، هر کسی به خودش متوجه بشود، خودش را درست کند، اداره‌ای که دارای پانصد نفر مامور است، هر ماموری آن کاری را که به او محوّل است سرش را زیر بیندازد و کارش را انجام بدهد، یک اداره درست می‌شود، یک وزارتخانه درست می‌شود، باقی درست می‌شود، همه کشور درست می‌شود. اگر یک همچو چیزی در یک کشوری پیدا شد، این کشور مترقی است. کشور مترقی این نیست که سینماهای کذا داشته باشد و آن کارهایی که در آن می‌شد. یا مترقی آن است که مراکز فحشا، آن قدر زیاد باشد، مشروبخوری آن قدر زیاد باشد؛ این انحطاط است.

کشور مترقی این است که افرادش مترقی باشند. فرد مترقی آن است که وظیفه‌شناس باشد، وظایف اداریش، وظایف الهیش. اگر انسان وظیفه‌شناس شد، یک انسان مترقی است؛ یک انسان عادل است. یک مملکتی اگر ان‌شاءالله موفق بشویم، موفق بشوید، به اینکه [در] این مملکت همه وظیفه‌شناس بشوند و جمهوری اسلامی بشود، جمهوری اسلامی این است که اداره مالیه‌اش هم اسلامی باشد؛ اداره عدلیه‌اش هم اسلامی باشد. تحول باید پیدا بشود. تحول در نظام و تحول در افراد که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند. به مجرد اینکه تحول در نظام هم باشد و تحول در افراد نباشد، فایده ندارد. برای اینکه وقتی تحول در افراد نباشد، اگر حالا هم یک کسی یک تحولی در نظام درست کند، فردا همین افرادند که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند؛ همین افراد نظام را مُعَوَّج می‌کنند؛ بر خلاف می‌کنند... (صحیفه امام، جلد۹، صفحات ۱۲ تا ۱۷)

« آگهی مناقصه » نوبت دوم

شهرداری روداب در نظر دارد مناقصه احداث مخزن ۳۰۰ مترمکعبی بتنی پارک شهدای گمنام شهر روداب با شماره مناقصه ۲۰۰۳۰۹۵۳۵۹۰۰۰۰۰۱ را از طریق مناقصه عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مناقصه، با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی (www.setadiran.ir) به صورت الکترونیکی برگزار نماید.
زمان انتشار در سایت: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰
آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹
آخرین مهلت شرکت در مناقصه: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹
زمان اعلام برنده مناقصه: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱
مبلغ شرکت در مناقصه: ۵ درصد قیمت پایه
ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی است:
۱ - برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد و کلیه مراحل فرآیند مناقصه شامل خرید و دریافت اسناد مناقصه، پرداخت تضمین شرکت در مناقصه، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مناقصه‌گران محترم از این طریق امکان‌پذیر است.
۲ - کلیه اطلاعات مورد اجاره شامل مشخصات، شرایط و نحوه اجاره در برد اعلان عمومی سامانه مناقصه، قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می‌باشد.
۳ - علاقه‌مندان به شرکت در مناقصه می‌بایست جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) به شماره ۰۲۱۴۱۹۳۴ مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه تماس حاصل نمایند.
۴ - اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام استان‌ها، در سایت (www.setadiran.ir) بخش ثبت‌نام/ پروفایل مناقصه‌گر موجود است.
هادی شکیبا زاهد ـ شهردار روداب

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۱۰۱۳۵۰۰ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۵۲۶ تقاضای آقای منصور برجسته ملکی به شماره شناسنامه ۴۰ و کد ملی ۲۱۲۱۳۳۱۷۰۰ صادره از گرگان فرزند محمد حسین در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بانضمام چهار ونیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه که جهت یک و نیم دانگ آن قرارداد اوقاف تنظیم شده است ، بمساحت ۲۱۸/۵۴ متر مربع از پلاک شماره ۱۲- اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی ، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۲/۲۳
شناسه آگهی : ۱۷۰۴۴۷۷
مهدی شاه مهری سرپرست اداره ثبت اسناد واملاک منطقه یک گرگان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۱۸۲۹۷ هیات اول کلاسه ۱۵۳۰-۱۴۰۲ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهرا خائف به شناسنامه شماره ۳۱ کدملی ۰۹۰۱۵۵۳۶۱۱ صادره فرزند محمدعلی در ششدانگ یکباب منزل مسکونی به مساحت ۳۳۲.۲۴ متر مربع، پلاک ثبتی ۱۶۷ فرعی از ۳۰۲۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی خانم زهرا خائف محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد..
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۲/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۲/۲۳
شناسه ارشاد: ۱۱۵۳
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یک قطعه باغ تحت پلاک ۱۲۲۳ فرعی از ۳۳۵ اصلی واقع در اغشت جزء حوزه ثبتی شهرستان ساوجبلاغ با توجه به رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۳۱۰۱۲۰۰۷۰۵۱ مورخ ۱۴۰۲/۷/۱۷ صادره از هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان ساوجبلاغ با رعایت مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت عملیات تعیین حدود آن در ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ در محل به عمل خواهد آمد. لذا با انتشار این آگهی از متقاضی و مالکین املاک مجاور دعوت می شود تا در روز و ساعت مقرر در محل حضور یافته و هر ادعایی نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی آن دارند به نماینده محدد اظهار دارند و کسانی که به عملیات تعیین حدود اعتراض دارند میتوانند به استناد ماده ۲۰ ق ث و در اجرای مواد ۷۴ و ۸۶ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه تحدیدی ظرف مدت سی روز اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک (ساوجبلاغ) ارائه نموده و رسید دریافت نمایند و نیز باید ظرف مدت سی روز از تاریخ تسلیم این اعتراض به مراجع ذیصلاح قضائی مراجعه و ضمن تقدیم دادخواست گواهی آن را اخذ و به این اداره تسلیم نمایند در غیر این صورت اقدام قانونی بنا به تقاضای ذینفع به عمل خواهد آمد. م الف ۱۰۹۷۷
تاریخ انتشار: شنبه مورخه :۱۴۰۳/۰۲/۰۸
محسن هدائی–رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱۴۰۳/۲/۵ ۱۱۶/۵۷۶/۱۴۰۳/۱۵۳

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بانه تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

بخش ۷ بانه

۱ - آقای علی نظری فرزند یار مراد نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان مقدار ۸۱ شعیر و ۳ سهم جزء پلاک ۱۲۲۹ -اصلی به مساحت ۲۱۵/۱۴ متر مربع واقع در بانه شهرک لاله
۲ - آقای مجید محمدی فرزند جمال نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان جزء پلاک ۱۲۵۰ - اصلی به مساحت ۱۸۹/۶۷ متر مربع واقع در بانه محله سلیمان بگ
۳ - خانم شهلا عزیزیان فرزند قادر نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان جزء پلاک ۱۴ فرعی از ۱۷۴۰-اصلی به مساحت ۸۹/۷۰ متر مربع واقع در بانه خیابان شاهد
۴ - آقای ناصر رحمنی فرزند حسن نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان جزء پلاک ۲ فرعی از ۱۸۲۹ -اصلی به مساحت ۱۲۳/۴۴ متر مربع واقع در بانه محله بانه کهنه

دهستان سبدلو قطعه ۳

۵ - آقای محمد رحیمی فرزند حسن نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان جزء پلاک ۱۶ -اصلی به مساحت ۱۵۹/۴۰ متر مربع واقع در بانه بلوار ترخان اباد
۶ - آقای خالق محمدی فرزند عبداله نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۱۰ -اصلی به مساحت ۲۰۰۵/۴۸ متر مربع واقع در روستای بنه خوی
۷ - آقای خالق محمدی فرزند عبداله نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۱۰ -اصلی به مساحت ۱۰۸۱/۸۲ متر مربع واقع در روستای بنه خوی

دهستان دشت تال قطعه ۶

۸ - آقای سعداله احمدی فرزند محمود نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زارعی جزء پلاک ۲۹ -اصلی به مساحت ۷۰۷/۰۱ متر مربع واقع در روستای زرواو سفلی
۹ - آقای سعداله احمدی فرزند محمود نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۲۹ -اصلی به مساحت ۱۲۷۹/۱۳ متر مربع واقع در روستای زرواو سفلی
۱۰ - آقای سعداله احمدی فرزند محمود نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زارعی جزء پلاک ۲۹ -اصلی به مساحت ۲۰۵۹/۹۴ متر مربع واقع در روستای زرواو سفلی
۱۱ - آقای سعداله احمدی فرزند محمود نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زارعی جزء پلاک ۲۹ -اصلی به مساحت ۲۶۷۱/۴۴ متر مربع واقع در روستای زرواو سفلی
۱۲ - آقای سعداله احمدی فرزند محمود نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زارعی جزء پلاک ۲۹ -اصلی به مساحت ۱۲۹۳۵/۵۶ متر مربع واقع در روستای زرواو سفلی
۱۳ - خانم هانا احمدی فرزند محمود نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زارعی جزء پلاک ۲۹ -اصلی به مساحت ۴۵۵۶/۶۴ متر مربع واقع در روستای زرواو سفلی

دهستان تاژان قطعه ۸

۱۴ - آقای عبداله عزیزی فرزند مجید نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زارعی جزء پلاک ۱۲ -اصلی به مساحت ۴۳۱۴/۲۶ متر مربع واقع در روستای کوخ شیخ الاسلام
۱۵ - آقای رحمان توکلی فرزند مسعود نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زارعی جزء پلاک ۱۸ -اصلی به مساحت ۶۵۳۶ متر مربع واقع در روستای قایی برد

دهستان ننور قطعه ۱۰

۱۶ - خانم حفصه رحیمی فرزند حسین نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۲۲۳۹/۳۹ متر مربع واقع در روستای بوئین سفلی
۱۷ - آقای محمود صالح پور فرزند سلیم نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۴۹۱۵/۰۸ متر مربع واقع در روستای بوئین سلفی
۱۸ - آقای احمد صالح پور فرزند سلیم نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۵۱۶۵/۱ متر مربع واقع در روستای بوئین سلفی
۱۹ - آقای محمد امین صالح پور فرزند سلیم نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۶۲۳۵/۸۲ متر مربع واقع در روستای بوئین سلفی
۲۰ - آقای محمد امین صالح پور فرزند سلیم نسبت به سه دانگ مشاع یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ - اصلی به مساحت ۱۵۱۵۴/۲۷ متر مربع واقع در روستای بوئین سلفی
۲۱ - آقای احمد صالح پور فرزند سلیم نسبت به سه دانگ مشاع یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۱۵۱۵۴/۲۷ متر مربع واقع در روستای بوئین سلفی
۲۲ - آقای ناصر عباسی ازاد فرزند احمد نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۱۷ -اصلی به مساحت ۳۴۱۳/۱۷ متر مربع واقع در روستای کیوله
۲۳ - آقای امید عزیزی فرزند عبداله نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۲۵ -اصلی به مساحت ۵۰۰۰/۰۱ متر مربع واقع در روستای گویزله
۲۴ - آقای سامان گوهری فرزند توفیق نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۲۷ -اصلی به مساحت ۷۶۰۳/۷۷ متر مربع واقع در روستای خوری اباد
۲۵ - آقای سامان گوهری فرزند توفیق نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۲۷ -اصلی به مساحت ۱۵۲۶۲/۹ متر مربع واقع در روستای خوری اباد
۲۶ - آقای باقی گوهری فرزند توفیق نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۲۷ -اصلی به مساحت ۱۱۴۷۴/۲۲ متر مربع واقع در روستای خوری اباد
۲۷ - آقای زانا سیادی فرزند حسن نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۲۷ -اصلی به مساحت ۲۳۰۸/۷۱ متر مربع واقع در روستای خوری اباد
۲۸ - آقای صابر معروفی فرزند عزیز نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۴۵ -اصلی به مساحت ۶۲۴۵/۱۶ متر مربع واقع در روستای ولی اباد
۲۹ - آقای سید باقی جعفری فرزندسید محمد صالح نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۴۵ - اصلی به مساحت ۳۷۲۸/۵۳ متر مربع واقع در روستای ولی اباد
تاریخ انتشار اول : ۱۴۰۳/۰۲/۰۸
تاریخ انتشار دوم: ۲۲ /۱۴۰۳/۰۲
کیوان محمودی
سرپرست اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان بانه